

بازسازی معنایی زمینه‌ها، دلالت‌ها و پیامدهای بهره‌گیری

جوانان از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره

امید قادرزاده*

فایق نبی‌زاده**

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

نوشتار حاضر با لحاظ نمودن سهم بالای رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به ویژه اینترنت و ماهواره در مصرف فرهنگی و فراغتی جوانان، به بازسازی معنایی زمینه‌ها، دلالت‌ها و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی ماهواره در نزد جوانان شهر سردشت پرداخته است. عملیات میدانی تحقیق در چارچوب روش‌شناسی کیفی به انجام رسیده و جهت گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه نیمه ساخت یافته و برای تحلیل داده‌ها از نظریه مبنایی بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از مصاحبه با ۲۶ نفر از جوانان سردشتی نشان می‌دهد که در سطح زمینه‌ای مقوله‌های

Ogh1355@gmail.com

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (مکاتبه کننده).

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

مشکلات اکولوژیکی، غیبت سنن و فرهنگ قومی در شبکه‌های داخلی، محدودیت مجراهای ارتباطی و یکنواختی شبکه‌های داخلی در ورود و پذیرش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در این منطقه دخیل بوده است. در سطح تعاملی نیز مصاحبه‌شوندگان قسمت اعظم کنش‌های خود را بر محوریت پذیرش/ مقاومت در برابر ماهواره و شیوه‌های تعدیل‌شده راه‌های نوین ارتباطی ترسیم کرده‌اند. بر اساس کنش‌های جوانان می‌توان گفت که برنامه‌های تلویزیونی ماهواره پیامدهای فرهنگی و اجتماعی گسترده و بعضاً متناقضی برای جوانان در پی داشته است که در ذیل مقوله هسته ساختاریبخش - ساختارشکن متمرکزاند. به عبارت دیگر، تغییر و تحولاتی که در حوزه ارتباطی جوانان رخ داده است بسیاری از ابعاد و شیوه‌های زندگی آن‌ها را در فضایی متراکم از انگاره‌های سنتی و مدرن باز صورت‌بندی کرده است.

واژه‌های کلیدی: نظریه مبنایی، برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای،

یکنواختی شبکه‌های تلویزیونی داخلی، جوانان، سردشت.

مقدمه و طرح مسئله

جهان از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج وارد عصر نوینی شده است که تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید^۱، نقش تعیین‌کننده‌ای در این میان داشته‌اند. این تکنولوژی‌ها که برای برقراری ارتباط و یا انتقال اطلاعات بین انسان‌ها (تولید، انتشار و ارسال، نگهداری، دریافت و بازاریابی انواع اطلاعات و پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) به-کار می‌روند شامل مجموعه متنوع و وسیعی است که در این میان ظهور و رواج ماهواره-های ارتباطی و اینترنت در طول سه دهه گذشته به عنوان یکی از عوامل اصلی ظهور دنیای جدید تلقی می‌شود (منتظر قائم، ۱۳۸۴: ۶۶).

از آن‌جا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود و ساخته تاریخ می‌باشد با ظهور تکنولوژی جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده است (کاستلز، ۱۳۸۴: ۳۸۳). پی‌آمد این امر شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات انسانی است که ضمن تمایز از الگوهای ارتباطی مرسوم در رسانه‌های ارتباط جمعی؛ عملاً فرصت نوینی را در جهت تجلی خود و هویت به وجود آورده است (گرگی، ۱۳۸۵: ۵۳).

امروزه در حدود ۴۲۰ فراهم‌کننده خدمات ماهواره تلویزیونی در جهان وجود دارد که امواج بیش از ۱۵۰۰۰ کانال را ارسال می‌کنند. از میان این ۴۲۰ فراهم‌کننده خدمات ماهواره تلویزیونی، امواج ۳۰ تا ۳۵ ماهواره جامعه ایران را پوشش داده و بیش از ۳۰۰۰ شبکه را در دسترس مخاطبان ایرانی قرار می‌دهند. در این میان، تعداد شبکه‌های ماهواره-ای فارسی زبان نیز با سرعتی زیاد در حال رشد است. اولین شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد (علیخواه، ۱۳۸۷). پیشینه بهره‌برداری از تلویزیون ماهواره‌ای در مناطق گردنشین نیز به این دوران برمی‌گردد.

دسترسی به تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی بویژه ماهواره، موجب ایجاد تغییرات فرهنگی وسیعی در گروه‌ها و اقشار گوناگون به ویژه در میان جوانان شده است. این فرایند هم‌چون فرایندهای دیگر رابطه‌ای دیالکتیکی با جوانان دارد و آن‌ها به شیوه‌های گوناگون در برابر آن واکنش نشان می‌دهند. یکی از تأثیرات تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین بر جوانان، بازاندیشی در فرایند تولید و بازتولید هویت اجتماعی و سبک زندگی آن‌ها است. بر مبنای مطالعات تجربی موجود، رسانه‌های ارتباطی جدید، در مصرف فرهنگی و فراغت جوانان ایرانی بالاترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند و به مثابه مهم‌ترین منبع هویت بخشی عمل می‌نمایند (کیا، ۲۰۰۷: ۱۰۳؛ ذکایی و خطیبی، ۱۳۸۴: ۲۲). این تحولات تکنولوژیک علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و نیازهای ارتباطی جوانان، گذران اوقات فراغت آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده

است. دو فرایند رسانه‌ای شدن^۱ و خانگی شدن^۲، توصیف کننده گذران بخش عمده‌ای از فراغت جوانان در جوامع معاصر است (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲).

تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید به مثابه یکی از ابعاد اصلی نوسازی در ذات خود ارزش‌ها و باورهای جدیدی را به همراه دارند که ممکن است با ارزش‌ها و باورهای از قبل موجود در تعارض باشند. به دلیل ماهیت برون‌زای منابع و مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی، گروه‌ها و اقشار گوناگون به‌ویژه جوانان به شیوه همسانی تغییرات را تجربه نمی‌کنند و متأثر از نظام معنایی خود به شیوه‌ها و اشکال متفاوت در برابر رسانه‌های نوین ارتباطی واکنش نشان می‌دهند. مقاله حاضر با رویکردی تفسیرگرایانه بدنبال بررسی نحوه مواجهه جوانان با ماهواره به مثابه یکی از ابعاد نوسازی در حوزه ارتباطات و درک معنایی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن در منطقه سردشت به‌عنوان بخشی از مناطق گُردنشین می‌باشد.

شهر سردشت، یکی از شهرهای جنوبی استان آذربایجان غربی با ۴۰۶۱ کیلومتر مربع مساحت است که حدود ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و یک شهر کوهپایه‌ای و دامنه‌ای است. از نظر آب و هوایی، در ایام تابستان معتدل و در فصل زمستان بسیار سرد است. طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، جمعیت شهری، شهر سردشت در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۵۸۳۴۲ نفر می‌باشد که حدود ۱۶۸۵۹ نفر در دامنه سنی ۱۸-۳۰ قرار دارند. این آمار نشان دهنده جوانی جمعیت شهر می‌باشد که فرهنگ خاصی از جوان‌گرایی را صورت‌بندی نموده و مسائل خاص خود را بازنمایی می‌کند. این شهر به واسطه شرایط جغرافیایی و مرزی، با عراق همجوار بوده و مرز طولی به طول حدود ۸۰ کیلومتر با کردستان عراق دارد. از سوی دیگر، در حاشیه بودگی و همچنین دوری مسافت، ارتباط ضعیف این شهر با شهرهای مرکزی ایران را در پی داشته است (عبدالله‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶). بدلیل موقعیت خاص جغرافیایی سردشت، با شرایطی کوهستانی

-
1. Mediatiation
 2. Domestication

و راه‌های صعب‌العبور، قبل از ورود تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین به این شهر، وضعیت ارتباط بسیار کند پیش می‌رفت. این وسیله ارتباطی به سرعت در بین آحاد جامعه گسترش پیدا کرد و به نوعی جوانان مهمترین مخاطبان آن به‌شمار می‌آیند. جوانان در این شهر پیش از ورود ماهواره بیشتر با تلویزیون و رادیو در ارتباط بودند. حتی جراید نیز همواره با یکی دو روز تأخیر به دست خوانندگان می‌رسید، اما با ورود ماهواره عرصه جدیدی برای تسهیل تعاملات و جبران محدودیت‌ها و کمبودهای موجود در زندگی اجتماعی مخاطبان فراهم شد و این منطقه از حالت بن بست خارج و چهره دیگری پیدا کرده است. افزون بر این، در منطقه سردشت در مقایسه با سایر مناطق کُردنشین تراکم نشانگان فرهنگ بومی و سنتی بالا می‌باشد. در یک دهه‌ی اخیر، با گسترش شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای، زمینه مواجهه نشانگان فرهنگ بومی و سنتی با نشانگان فرهنگ مدرن در منطقه‌ی سردشت همانند سایر مناطق کُردنشین مهیا شده است. امروزه از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای تجربه روابط بین فرهنگی با ارزان‌ترین هزینه عملی شده و جوانان از طریق مجاری یاد شده، ارتباطات فرهنگی و اجتماعی درون مرزی و برون‌مرزی خود را به‌ویژه با هم‌قومان خود در کردستان عراق گسترش داده‌اند.

در این مقاله به فراخور توانایی نظری و تجربی اهداف زیر نیز مدنظر قرار گرفته است:

- فهم زمینه‌ها و دلایل بهره‌گیری جوانان از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای
- شناخت درک و تفسیر از تغییرات حاصله در اثر بهره‌گیری جوانان از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای
- فهم پیامدهای فرهنگی و اجتماعی بهره‌گیری از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای

پیشینه

مقدس و غفاری‌نسب (۱۳۸۳) در پژوهش «مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار» با استفاده از روش کیفی و با ابزار مصاحبه نشان داده‌اند که با ورود مؤلفه‌های نوسازی نه تنها ارزش‌های متعلق به فرهنگ بومی اصالت و جایگاه خود را از دست نداده است بلکه همچنان به حیات خود ادامه داده و با ارزش‌های مدرن درآمیخته و ترکیبی جدیدی پدید آورده‌اند. نتایج پژوهش پیمایشی مهدی زاده و عبداللهی (۱۳۸۶) با عنوان «بررسی رابطه میان نحوه استفاده از اینترنت و ماهواره با برگزاری روز دوستی (ولنتاین) در میان جوانان تهرانی» حکایت از آن دارد که با افزایش تعامل جوانان با فضای مجازی و نگرش مثبت به آن و نیز افزایش سرمایه اقتصادی و فرهنگی گرایش به استفاده از عناصر فرهنگی جوامع دیگر بیشتر شده که شیوع مراسم ولنتاین در سال‌های اخیر از نتایج آن است. محمدپور و دیگران (۱۳۸۹) در پژوهش پیمایشی «تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران» نشان داده است دانشجویانی که زمان بیشتری را صرف استفاده از ماهواره کرده‌اند، نمره کمتری از سازه هویت فرهنگی محلی دریافت کرده‌اند که به نوبه خود نشانگر تغییر رفتار به سمت الگوهای جدید است.

یافته‌های پژوهش نظری (۱۳۸۹) با عنوان «نقش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در معرفی سبک زندگی به جامعه قومی (با مطالعه موردی در شهر تبریز)، حکایت از آن دارد که تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای عرصه جدیدی برای تسهیل و اغناء تعاملات و اطلاعات و یا جبران محدودیت‌ها و کمبودهای موجود در زندگی اجتماعی مخاطبان بوده است. ورود تلویزیون‌های ماهواره‌ای به زندگی روزمره مخاطبان به معنای به حاشیه رفتن و کاهش میزان مصرف سایر رسانه‌های در دسترس و مورد استفاده آن‌ها نبوده است.

یافته‌های مطالعات پیمایشی گلچین و دیگران (۱۳۹۱) با عنوان «مطالعه میزان و نوع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و مناسبات خانوادگی در بین شهروندان تهرانی»، نشان می‌دهد خانواده‌هایی که از شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده نمی‌کنند در قیاس با خانواده‌هایی که از شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنند به مراتب مناسبات خانوادگی بهتری دارند و در نهایت دو متغیر «میزان استفاده» و «نوع استفاده» از شبکه‌های ماهواره-ای ۲۶ درصد از تغییرات مناسبات خانوادگی را تبیین می‌کنند.

رسولی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی هویت فرهنگی قومی در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای»، در مصاحبه با هفتاد نفر از کارشناسان حوزه‌های علوم اجتماعی و ارتباطات نشان داده‌اند که شبکه‌های ماهواره‌ای از طریق سازوکارهای بازنمایی مبتنی بر محور «تمایزات فرهنگی» در شکل دادن و باز تعریف هویت فرهنگی قومی نقش اساسی دارند و این سازوکارها مواجهه مخاطب با این رسانه را تسهیل می‌کند.

نتایج مطالعات اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰) با عنوان «نوسازی، تغییر فرهنگی و پایداری ارزش‌های سنتی»، حکایت از آن دارد که سنت‌های فرهنگی دارای دو وضعیت تغییرات گسترده و پایداری هستند و نوسازی موجب تغییر از هنجارها و ارزش‌های مطلق، به سمت ارزش‌های عقلانی مداراجویانه و مشارکت‌جویانه می‌شود.

کواینون^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «مردم ماقبل مدرنی که از تکنولوژی‌های مدرن استفاده می‌کنند: استفاده‌گردها از تکنولوژی رسانه‌ای در جهت حفظ هویت قومی»، نشان داده است که امروزه در عصر جهانی شدن بسیاری از گردها از تکنولوژی و رسانه‌های مدرن نظیر شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای برای حفظ و تداوم هویت قومی و بومی خود بهره می‌گیرند. وی با اشاره به این که بخش عمده‌ای از جامعه و فرهنگ گردها سنتی و غیرمدرن باقی مانده است، اظهار می‌دارد که گردها با وجود سنتی بودن در

بسیاری از ابعاد و جنبه‌های فرهنگی از این امکانات به گونه‌ای آگاهانه و عملی و در راستای نگهداری و معرفی فرهنگ خود استفاده می‌کنند.

رامانو^۱ (۲۰۰۲) در تحلیلی که از تأثیرات تکنولوژی‌های مدرن بر ناسیونالیسم کردی انجام داده است، بر این باور است که ارتباطات ماهواره‌ای، اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطی دیگر، به مبارزات ناسیونالیسم قومی در برابر هژمونی دولت‌ها و انحصار اطلاعات کمک نموده است. رسانه مدرن کردی، مسائلی چون استاندارد نمودن و ترویج زبان کردی، به مبارزه طلبیدن دولت‌های انکارکننده هویت کردها، طرح بین المللی مسئله کرد و... را دامن زده است که تقویت هویت قومی کردها را در پی داشته است.

نتایج پژوهش کیفی چاتریجی^۲ (۲۰۰۴)، با عنوان «جهانی شدن، هویت و شبکه‌های تلویزیونی: اجتماع میانجی و واکنش‌های جهانی در هند چند فرهنگی»، حکایت از آن دارد که با گسترش جهانی شدن و آزادسازی رسانه‌ای در جامعه هند، گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی به استفاده از تلویزیون و ماهواره رغبت بیشتری پیدا کرده‌اند و کانال‌های تلویزیونی محلی که در سطحی جهانی برنامه تولید می‌کنند، از طریق نمادپردازی و برجسته‌کردن سمبل‌های قومی و محلی و توجه زیاد به زبان‌های محلی به تقویت هویت محلی کمک نموده‌اند.

ون جینگ^۳ (۲۰۰۵) در پژوهش کیفی با عنوان «فضای مجازی و هویت واقعی: جستجوی هویت فرهنگی دیاسپورای چینی در اجتماع مجازی»، که به تأثیر اینترنت و فضای مجازی بر هویت فرهنگی دیاسپورای چینی پرداخته است، نشان داده است که ارزش‌های فرهنگی متفاوت پذیرفته شده و هویت فرهنگی چندپاره و ترکیبی پدید آمده است. یافته‌های پژوهش درباره تجارب درون فردی نیز نشان می‌دهد که همزیستی میان

-
1. Ramano
 2. Chatterjee
 3. Wenjing

جامعه واقعی و جامعه مجازی ایجاد شده و موجب تقویت گفتمان هویت فرهنگی گردیده است.

مروری بر ادبیات و پیشینه مرتبط با مسأله مورد بررسی نشان از کثرت پژوهش‌های به انجام رسیده در این حوزه به ویژه در چارچوب روش شناسی کمی دارد. مطالعات پیمایشی مورد اشاره با اتخاذ موضع بیرونی از فرایندهای معنایی، تکوین و تغییر زمینه‌ها، دلالت‌های معنایی و پیامدهای بهره‌گیری از رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به ویژه ماهواره در زندگی فردی و جمعی مخاطبان غفلت نموده‌اند. از اینرو، سهم پژوهش‌های کیفی در این حوزه کم است. پژوهش حاضر در نظر دارد تا با اتخاذ نگاه درونی به بازسازی معنایی تجارب جوانان از مواجهه با برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، دلالت‌ها، و پیامدهای آن پردازد.

چارچوب نظری

رویکردهای نظری در خصوص جایگاه رسانه‌های ارتباطی و پیامدهای آن در سه دسته بدبینانه، خوش‌بینانه و بینابینی قابل تفکیک است: در چارچوب رویکرد بدبینانه، به دیده تردید و تحقیر به رسانه نگاه می‌شود. شرایطی که رسانه‌ها برای دستکاری عقاید و افکار توده‌ها به وجود می‌آورند تهدیدآمیز تلقی می‌شود. رسانه باعث مسخ و از خود بیگانگی فرد می‌شود و فرهنگ توده‌ای به عنوان شکل تازه‌ای از کنترل اجتماعی تصور می‌شود که بر فن‌آوری تکیه دارد (بنت، ۱۳۸۶: ۲۴). در ذیل این رویکرد، دیدگاه اقتصاد سیاسی و مکتب فرانکفورت قرار می‌گیرد.

رویکرد خوش‌بینانه، با دیدگاهی مثبت و امیدوارانه به کارکرد رسانه‌ها نظر می‌افکند. بر مبنای این رویکرد، بسط مدرنیته موجب همگانی شدن رسانه شده و به خودآگاهی فردی کمک شایانی می‌کند. در ذیل این رویکرد، اصحاب مطالعات فرهنگی جای دارند. گروه اخیر، بر مقولات متعدد رسانه‌ها، که با بیان جهانی به بازتولید فردیت

در افراد کمک می‌کنند، تأکید می‌نمایند. این رهیافت در آثار نظریه‌پردازانی چون جان فیسک و میشل دوسرتو پرورش یافت. تلقی فیسک از مخاطبان فعال در مقام شرکت‌کنندگان فعال در برساختن معنای فرهنگی در زندگی‌های روزمره، تأثیر قابل توجهی بر حوزه‌های مطالعات رسانه‌ها داشته است. در میانه دهه ۱۹۸۰ کم‌کم توجه شایانی به نقش مخاطبان در برساختن معناهای متنی و بصری معطوف شد. نتیجه این توجه، مجموعه کارهای جدیدی بود که مخاطبان را قدرت اصیل و خودمختار تصویر می‌کرد، یعنی در مقام عاملانی که توان تفکر انتقادی و ارزیابی دارند، نه یک ظرف توخالی که تصاویر و اطلاعات را منفعلانه از رسانه‌ها دریافت کنند (بنت، ۱۳۸۶: ۲۵).

دیدگاه‌های گیدنز، تامپسون، کاستلز، وهال (۱۹۹۶) در این چارچوب قرار می‌گیرد. رویکرد بینابینی، به نوعی هم به رسانه امید دارد و هم به دیده تردید به آن نگاه می‌کند. انگاره‌های پست مدرنیستی در مورد رسانه و همچنین دیدگاه مک لوهان را می‌توان در این رویکرد قرار داد. نگاه بودریار و باومن به تکنولوژی و رسانه در این چارچوب قابل توجه است.

با توجه به ماهیت تفسیری و برساختی مطالعه حاضر، رویکرد خوش‌بینانه و بینابینی در خصوص جایگاه رسانه‌های ارتباطی و پیامدهای آن، قرابت معنایی و معرفت-شناختی بیشتری با موضوع مورد بررسی دارد.

گیدنز با رویکردی سازه‌گرا، در پی آن است که مردم چگونه وضعیت مدرن را تجربه می‌کنند. به زعم وی «در طی چند دهه گذشته مهمترین نیروی دگرگون‌کننده در زندگی انسان‌ها بازارهای اقتصادی و یا به هم وابستگی اقتصادی نبوده است بلکه تأثیر ارتباطات بوده است که عموماً با عنوان انقلاب ارتباطات خوانده می‌شود. در دنیای معاصر، وجود نهادهای اجتماعی مدرن و همچنین حضور رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی، تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید آورده و بر خصوصی‌ترین وجوه تجارب انسان نیز تأثیر نهاده است. بنابراین، برنامه‌ریزی زندگی براساس

بازتاب‌های محلی و جهانی رفته‌رفته به صورت طرح مرکزی ساختار هویت شخصی درآمده است» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۹-۸۱).

از نظر گیدنز، افراد به میانجی سیاست زندگی که در زندگی روزمره خود بکار می‌گیرند اقدام به تعریف و باز تعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روان‌شناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی می‌کنند. «بازاندیشی در دوران مدرن بدین صورت است که اعمال و عادات اجتماعی به طور دائم آزموده می‌شوند و در پرتو اطلاعاتی که درباره این روال‌های اجتماعی به دست می‌آیند اصلاح می‌گردند و اصولاً پیوسته تغییر می‌کنند. در جهان مدرن، سنت‌ها نیز بازاندیشی می‌شوند و از این صافی رد می‌شوند. گسترش نظام‌های تخصصی، علمی و تکنولوژیک، روند بازاندیشی سنت‌ها را از طریق رسانه‌های سیال جهانی و وسایل سریع حمل و نقل در همه جوامع تسریع کرده و به تدریج جوامع را به جوامع پسااستی تبدیل می‌کند» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۹۳؛ ۱۳۸۸: ۱۴۷).

پیتر برگر^۱ نیز به بررسی تأثیرات نهادهای مدرن بر ذهنیت و نگرش افراد در جوامع در حال نوسازی و پیامدهای واکنشی در قبال فرایندهای نوگرایی و نوسازی در اشکال نوسازی زدایی و نوسازی ستیزی پرداخته است. به نظر وی، «نوسازی در مراحل اولیه موجب بسط افق اجتماعی فرد می‌شود، فرد از طریق آموزش و وسایل ارتباط جمعی، و نیز از راه تماس چهره به چهره با کارگزاران فردی حاملان اولیه نوسازی، از جهان فراسوی محدوده‌های تجربه زندگی روزمره‌اش آگاه می‌شود و در نهایت این که انسان عصر مدرن مدام در زندگی روزمره خود، بین زمینه‌های اجتماعی بسیار متفاوت و غالباً متضاد، تغییر موقعیت می‌دهد. فرد با توجه به زندگی‌نامه‌اش، بین جهان‌های اجتماعی متنوع و متکثر جابجا می‌شود و انسان از محیط اجتماعی و فرهنگی اصیل خود منفک می‌شود» (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۳).

ایده اصلی الریش بک و همکارانش حول این موضوع صورتبندی می‌شود که به چه نحو، افراد هنگام گسترش نوسازی در بین سنت‌های متعددی که سالیان سال بر اندیشه و کردار آن‌ها حاکم بوده است دست به گزینش بزنند به نحوی که نه به صورت قطعی به سنت‌ها پشت کنند و نه نوسازی را طرد نمایند. آن‌ها در قالب مفهوم «نوسازی بازاندیشانه»، به ارتباط دیالکتیکی سنت و مدرنیته اشاره می‌کنند. «هسته نوسازی فرهنگی و اجتماعی، دگرگونی نقش‌ها است؛ در حالی که در جوامع ماقبل مدرن، تصور غالب بر این بود که سرنوشت فرد از طریق بخت، یعنی جایگاهی که در آن متولد می‌شود، تعیین می‌شود. امروزه با توجه به تلاش‌های خود فرد و نه با افت و خیزهای بخت و اقبال، جریان زندگی بسیار منعطف‌تر و بازتر تصور می‌گردد». وی، به این موضوع با عنوان زندگینامه تأملی می‌پردازد؛ این نوع زندگینامه به جای آن‌که مخلوق اجتماع باشد خود فرد آن را خلق کرده است. «اشکال سنتی غلبه بر تشویش و ناامنی خانواده، ازدواج و نقش‌های مردانه- زنانه رو به زوال هستند و افراد باید برای خلق تقاضاهای جدید، بر نهادهای اجتماعی هم‌چون نهادهای آموزشی، مشاوره‌ای، درمانی و سیاسی به خود اتکا کنند» (لاپتن، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

تامپسون نیز در کتاب «رسانه‌ها و مدرنیته»، در پی بررسی دگرگونی‌های فرهنگی ملازم با ظهور جوامع مدرن است. به باور وی، «با تحول جوامع مدرن فرایند خودشکل-پذیری، بازتابی‌تر و بازتر می‌شود. فرایند خودشکل‌پذیری به گونه‌ای فزاینده با مواد نمادین رسانه‌ای تغذیه شده و دامنه گزینش‌های فراهم برای افراد را بسیار وسعت بخشیده و رابطه بین خودشکل‌پذیری و محل مشترک را سست کرده است» (تامپسون، ۱۳۸۹: ۹).

پیش از ظهور رسانه‌ها، تصور بیشتر مردم از گذشته و جهان فراسوی محیط پیرامون‌شان، بیشتر از طریق محتوای نمادین مبادله شده در تعامل رودرو شکل می‌گرفت. اما با ظهور رسانه‌ها افراد توانستند رویدادها را تجربه کنند، به مشاهده دیگران بپردازند، و به طور کلی درباره جهان‌ها (جهان‌های واقعی و تخیلی) که به آن سوی سپهر

مواجهات روزمره آن‌ها امتداد یافته بود، بیاموزند». به زعم تامپسون، اگر می‌خواهیم تاثیر فرهنگی رسانه‌های ارتباطی در جهان مدرن را درک کنیم، باید این دیدگاه را کنار بگذاریم که مواجهه با رسانه‌ها یکسره به ترک شیوه‌های سنتی زندگی و پذیرش اسلوب-های مدرن زندگی منجر خواهد شد. در خود مواجهه با رسانه‌ها هیچ موضع خاص رویارویی با سنت وجود ندارد. رسانه‌های ارتباطی را می‌توان نه تنها در جهت چالش و تضعیف ارزش‌ها و باورهای سنتی بلکه به منظور تحکیم و گسترش سنت‌ها نیز مورد استفاده قرار داد (همان، ۲۲۲).

کاستلز نیز دیدگاهی تا حدودی خوش‌بینانه نسبت به رشد و توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی دارد و به قابلیت‌هایی که رسانه‌ها برای آزادی عمل انسان‌ها فراهم ساخته‌اند، اشاره می‌کند. وی در مورد تأثیر رسانه‌های جدید بر فرهنگ جوامع معتقد است که فرهنگ‌ها از فرایندهای ارتباط تشکیل شده‌اند. همه اشکال ارتباط بر مبنای تولید و مصرف نشانه‌ها استوارند. «ویژگی تاریخی سیستم ارتباطی جدید، القای واقعیت مجازی نیست بلکه ایجاد مجاز واقعی است. این سیستمی است که در آن خود واقعیت (یعنی وجود مادی- نمادین مردم) کاملاً در متنی از تصاویر مجازی و در جهانی واقع‌نما غرق شده است که در آن چیزهایی که بر روی صفحه ظاهر می‌شوند فقط تصاویری نیستند که تجربه از طریق آن‌ها منتقل می‌شود، بلکه خود به تجربه تبدیل می‌شوند. شبکه‌های ارتباطی جدید و تلگرافی در سراسر جهان خیلی سریع‌تر از دیگر تکنولوژی‌های ارتباطی پخش شده‌اند. این بدین دلیل است که ارتباطات به عنوان مرکز همه فعالیت‌های انسانی تمام زندگی را احاطه کرده‌اند. تکنولوژی‌های جدید، ارتباط چندمدلی همه جایی را به عنوان زیربنای زندگی جدید مطرح کرده است. تکنولوژی اطلاعات با تکیه به چند خصلت، خود را از سایر تکنولوژی‌ها مجزا می‌کند: اطلاعات ماده خام آن است، فراگیر بوده و به جزء جدایی ناپذیر زندگی بشری مبدل شده است، خصلتی شبکه‌ای به خود گرفته؛ یعنی تمام بخش‌ها را به هم متصل نموده، از انعطاف‌پذیری برخوردار است و باعث همگرایی فزاینده تکنولوژی خاص در درون یک سیستم شده است (کاستلز، ج

یک، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۲). کاستلز در مورد تحولات رسانه در شرایط کنونی نقل قولی از فرانسوا سانا ذکر می‌کند: «رسانه‌های جدید مخاطبان پراکنده و متمایزی را تعیین می‌کنند که با وجود این که از نظر تعداد پرشمارند، از نظر همزمانی و یکدستی پیام‌هایی که دریافت می‌کنند دیگر مخاطبان انبوه به شمار نمی‌آیند. رسانه‌های نوین دیگر به مفهوم سنتی کلمه رسانه‌های همگانی نیستند که پیام‌های محدودی را برای انبوهی از مخاطبان متجانس پخش کنند. به دلیل تعدد پیامها و منابع، مخاطبان قدرت انتخاب بیشتری پیدا کرده‌اند. مخاطبان مورد نظر دوست دارند پیام‌های خود را انتخاب کنند و این امر دسته‌بندی آن را عمیق‌تر می‌سازد و رابطه فردی میان گیرنده و فرستنده را افزایش می‌دهد» (همان، ۳۹۵).

از دیگر مفاهیم و مباحث مورد توجه در رویکردهای متأخر جامعه‌شناسی، مفهوم جهان محلی شدن^۱ است. جهان محلی شدن، بدین معناست که جهانی شدن و محلی‌گرایی هم‌زمان در طی یک فرآیند زمانی با هم ترکیب می‌شوند و فرآیند جدیدی را خلق می‌کنند. این مفهوم در ابتدا توسط رابرتسون و آپادورای^۲ مطرح شد. به زعم رابرتسون، «فرهنگ‌های جهان محلی، نه محلی هستند نه جهانی، بلکه دستخوش اختلاط فرهنگی و ساختاری شده‌اند که در آن جنبه‌هایی از رسوبات فرهنگی محلی به صورت بی‌وقفه، با شکل‌های نوین فرهنگ جهانی در هم تنیده می‌شوند، در این فرآیند جهانی شدن به سوی یک فرهنگ یکپارچه و یکدست حرکت نمی‌کند بلکه به تمام فرهنگ‌ها به موازات هم در عرصه جهانی عرض اندام می‌کند. به بیان دیگر، جهان محلی شدن محتوای مدرنیته و ترکیب آن با بستر و زمینه‌های محلی است، که فراهم آورنده بنیانی برای هم آمیختگی مدرنیته محلی است که به گونه‌ای فضایی استقرار یافته است» (رابرتسون، ۱۳۸۷: ۵۹).

1. Glocalization
2. Appadurai

روش‌شناسی مطالعه

در مطالعه حاضر، بدلیل «سنخیت طبیعت روش کیفی با نظام ارزشی، ساختار ذهنیت و باورهای فرهنگی» (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۵) و عدم امکان ارائه عددی معانی ذهنی، از روش‌شناسی کیفی بهره گرفته شد و از میان روش‌های کیفی بنا به ماهیت، بکربودن موضوع، درک زوایای عمیق و ناپیدای پدیده، از نظریه مبنایی^۱ استفاده شد. نظریه مبنایی، بر معانی‌ای که یک تجربه برای شماری از افراد دارد تأکید دارد، اما قصد آن «فراتر رفتن از این توصیف و ساخت یا کشف یک شمای تحلیلی انتزاعی از یک فرایند یا کنش یا تعامل می‌باشد» (کراسول^۲، ۱۹۹۸: ۶۳). نظریه مبنایی برای گردآوری داده‌های لازم عمدتاً بر داده‌های متنی و مصاحبه‌ای تکیه دارد (کوربین و دیگران، ۱۹۹۸: ۴۸ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۶). داده‌های این مطالعه با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت یافته گردآوری شده است. شیوه نمونه‌گیری نیز بنابر مفروضات پارادایمی آن نمونه‌گیری نظری است. در نمونه‌گیری نظری، تعداد افراد نمونه را با معیار اشباع نظری تعیین می‌کنند؛ بدین معنا که گردآوری اطلاعات را باید تا موقعی ادامه داد که افزایش اطلاعات، مفاهیم، مقولات، خرده مقولات و تنوع‌های جدید به دست نمی‌دهد. یعنی هنگامی که پاسخ‌های جدیدی برای پرسش‌های تحقیق کسب نمی‌شود و پاسخ‌گویان داده‌هایی مشابه با داده‌های کسب شده پیشین به دست می‌دهند. این که محقق چه هنگام و با انجام چه تعداد مصاحبه به اشباع نظری برسد ابداً قابل پیش‌بینی نیست و طی فرآیند تحقیق مشخص خواهد گردید. بر همین اساس نمونه‌گیری‌ای نظری انجام شد و مصاحبه‌شوندگان بر اساس سؤال‌های تحقیق، مصاحبه‌های قبلی و حساسیت نظری گزینش شدند.

در این مطالعه، به دلیل فرض متکثربودن جایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی جوانان و برای به دست آوردن نتایج بهتر و کامل‌تر، از نمونه‌گیری با حداکثر تغییرات استفاده شده است. در نمونه‌گیری با حداکثر تغییرات، محیط‌ها، فعالیت‌ها، رویدادها و جوانان مطلع

1. Grounded Theory
2. Creswell

عمداً طوری انتخاب می‌شوند که وضعیت‌های هرچه متفاوت و متنوع‌تر را در دسترس پژوهشگر قرار دهند (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۸۱). علاوه بر این، به کمک روش نمونه‌گیری گلوله برفی با ۲۶ نفر از مطلعین کلیدی^۱ مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل گردد. مطلعین کلیدی یا دروازه‌بانان خبری^۲، به عبارت ساده‌تر، به افرادی گفته می‌شود که سابقه بهره‌گیری و مصرف بالای برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای را داشته‌اند؛ یعنی جوانانی که گفتمان ماهواره‌ای در شیوه و سلوک زندگی و کنش‌های آنان در زندگی روزمره غالب و محرز می‌باشد.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ آمده است، دامنه سنی افراد مورد مصاحبه بین ۲۳-۳۰ می‌باشد. در میان آن‌ها افرادی با تحصیلات متفاوت - ابتدایی تا کارشناسی ارشد- دیده می‌شود. از لحاظ شغلی نیز - که تا حدودی می‌تواند معرف سطح رفاه آنان باشد- نامتجانس‌اند و در نمونه مورد بررسی، افرادی با مشاغل آزاد (کارگر، کافی‌نت، مغازه‌دار، طلافروش، پیلهور، آرایشگر، باربر در مرز، تعمیرکار، مسافرکش، مغازه‌دار، و راننده)، کارمند، معلم، مدرس دانشگاه، دانشجو، و مهندس مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. بدلیل مقتضیات فرهنگی میدان مورد مطالعه که دسترسی به زنان را دشوار می‌سازد و همچنین اقتضائات مطالعه کیفی که مستلزم بازسازی معنایی تجربه زیسته و ورود به لایه‌های معنایی مشارکت‌کنندگان است، در مطالعه حاضر زنان در جماعت نمونه لحاظ نگردیدند.

برای تحلیل داده‌ها، داده‌ها در سه سطح مفاهیم، مقوله‌های عمده و هسته، در جریان سه مرحله کدگذاری باز^۳، محوری^۴ و انتخابی^۵، تعیین و کدبندی شده‌اند (استراس

-
1. Key Informants
 2. Gate Keepers
 3. Open Coding
 4. Pivotal Coding
 5. Selective Coding

بازسازی معنایی زمینه‌ها، دلالت‌ها و ... ۱۶۷

و کوربین، ۱۳۸۷). در مجموع و پس از تلخیص گدها و مقولات، ۱۱۴ مفهوم، ۱۱ مقوله محوری و یک مقوله هسته استخراج گردید.

جدول ۱- مشخصات کلی مصاحبه شونده‌گان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال	درآمد ماهیانه (به تومان)
۱	رئوف	۲۸	فوق دیپلم	دبیر	۷۸۰۰۰۰
۲	محمد	۲۶	لیسانس	کافی‌نت	۷۰۰۰۰۰
۳	یونس	۳۰	دیپلم	پوشاک‌فروش	۱۲۰۰۰۰۰
۴	محمد	۲۳	زیر دیپلم	کارگر	-
۵	آرام	۲۹	دیپلم	مغازه‌دار	۳۰۰۰۰۰
۶	ناصر	۲۲	دیپلم	بیکار	-
۷	هادی	۲۸	لیسانس	مهندس	نامعلوم
۸	ادریس	۲۹	راهنمایی	طلافروش	۵۰۰۰۰۰
۹	عبدالخالق	۲۵	دبیرستان	آزاد	۸۰۰۰۰۰
۱۰	رئوف	۲۸	دبیرستان	باربر در مرز	-
۱۱	بیستون	۲۴	کارشناسی	دانشجو	-
۱۲	رضا	۳۲	لیسانس	راننده	۷۰۰۰۰۰
۱۳	جبار	۲۳	راهنمایی	مغازه‌دار	۴۰۰۰۰۰
۱۴	احمد	۲۷	لیسانس	دانشجو	-
۱۵	امیر	۳۰	فوق لیسانس	دانشجو	-
۱۶	اسماعیل	۲۷	دیپلم	پیلهور	۲۰۰۰۰۰۰
۱۷	عبدالکریم	۲۵	راهنمایی	آرایشگر	۶۰۰۰۰۰
۱۸	ثاکام	۲۴	فوق دیپلم	تعمیرکار	۶۰۰۰۰۰

۷۰۰۰۰۰	کارمند	لیسانس	۲۶	آوات	۱۹
۱۳۰۰۰۰۰	مدرس	فوق لیسانس	۲۶	پارسا	۲۰
۵۰۰۰۰۰	مسافرکش	دیپلم	۲۳	صابر	۲۱
-	مغازه‌دار	دبیرستان	۲۷	آواره	۲۲
۶۰۰۰۰۰	کارمند	لیسانس	۲۸	محمد	۲۳
-	معلول حرکتی	ابتدایی	۲۷	کامیار	۲۴
۷۰۰۰۰۰	نصاب ماهواره	دبیرستان	۲۴	کمال	۲۵
۹۰۰۰۰۰	شغل آزاد	راهنمایی	۲۴	عثمان	۲۶

داده‌ها و یافته‌ها

۱- بسترها و زمینه‌های ورود ماهواره

منظور از بستر، شرایط تقویت کننده ورود و گسترش و رایج شدن ماهواره در بین جوانان سردشت می‌باشد. این که چه شد که ماهواره به بخش جدایی ناپذیری از زیست جهان جوانان بدل شده است. بر این اساس، یافته‌های تحقیق در ۲۴ مفهوم و ۳ مقوله عمده کدبندی شده‌اند تا بر مبنای آن، بسترهای ورود ماهواره از منظر جوانان را بازسازی معنایی نماییم. این مقوله‌های عمده عبارتند از:

۱-۱- بسترهای اکولوژیک

سردشت منطقه‌ای صعب العبور و کوهستانی می‌باشد، راه‌های مواصلاتی و ارتباطی منتهی به شهرستان بسیار پریچ و خم است. ایجاد راه‌های ارتباطی به شهرهای همجوار محصول جنگ ایران و عراق بود. به نظر رئوف، دبیر جغرافیا، راه‌های ارتباطی و مواصلاتی شهرستان سردشت نه بر اساس رویکرد مهندسی و استاندارد بلکه با دیدی نظامی احداث شدند و هدف رساندن تجهیزات نظامی به نقطه صفر مرزی بود. در این وضعیت راه ارتباطی به لحاظی امنیتی و دور بودن از تیررس دشمن می‌بایستی پیچ در

پیچ باشد. این نوع وضعیت بر شیوه ارتباط همه جانبه تأثیر گذاشته است." در فواصل زمانی نه چندان دور مهم‌ترین مجرای اطلاع از وضعیت دنیای خارج، تجار و بازرگانانی بودند که به شهرهای همجوار و کردستان عراق مسافرت می‌کردند. با ورود رادیو و بعد از آن تلویزیون بود که تغییری در ماهیت روابط مسجل شد. ماهواره این پازل را تکمیل نمود و مخاطبان بیشتری را به واسطه برنامه‌های جذاب و متنوع خود جذب نمود. برای غلبه بر این نوع موانع جوانان به طور مداوم در پی یافتن بدیل‌های ارتباطی هستند به نحوی که یکی از مصاحبه شوندگان "کمال"، ۲۴ ساله، که نصاب ماهواره بود در این باره چنین می‌گوید: "سردشت محیط بسته‌ای هست، البته الانم بسته است از نظر راه‌های ارتباطی، ولی بیشتر از طریق رادیو باخبر می‌شدند. واقعاً آگه بخوام [بگم] مجرای که مردم به واسطه اون از محیط و جهان باخبر میشدند همین ماهواره هست البته روزنامه هم بود ولی بیشتر روزنامه‌هایی که به سردشت الانم میاد روزنامه‌های ورزشی هستند و آگه روزنامه‌ای بیاد همش روزنامه‌هایی هست که به درد نمی‌خورند و یک طرفه قضاوت می‌کنند و این روزنامه هم فقط برای افرادی هست که سواد دارند و افراد بی سواد نمی‌تونند از اون سودی ببرند، در حالی که ماهواره باسواد و بی‌سواد نمی‌شناسه من آگه تو خونه ماهواره دارم مادرم هم می‌تونه نگاه کنه و بفهمه که چی می‌گذره چون خیلی از شبکه‌هایی که ما نگاه می‌کنیم گُردی هستند و بالطبع افراد بی‌سواد هم میتونند نگاه کنند،

۱-۲- غیبت سنن قومی در شبکه‌های داخلی

براساس گفته‌های بیشتر مصاحبه شوندگان انعکاس پایین آداب و رسوم قومی در شبکه‌های داخلی موجب نوعی فاصله‌گیری ذهنی و عینی مخاطبان از این رسانه شده است. "عبدالخالق"، ۲۵ ساله، این موضوع را این گونه بیان می‌نماید: "من بیشتر به خاطر این که در رسانه‌های داخلی کمتر در مورد هویت و فرهنگ من بحث میشه و آگه هم بحث کنه اون چیزی نیست که بتونه منو قانع کنه، برا همین ماهواره نگاه می‌کنم، ،

"ادریس"، ۲۹ ساله، نیز در این باره معتقد است: "به نظرم ماهواره اون حسی [رو] به افراد داده که خودشون آزاد هستند که هر چی می‌خواهند استفاده کنند و دیگه این که احساس می‌کنند که وقتی ماهواره رو نگاه می‌کنند به حساب میان چون دارند افرادی رو از ماهواره نشون میدن که از گوشت و پوست و زبان و فرهنگ و اعتقاداتشون دفاع می‌کنند ولی رسانه داخلی هم‌چین کاری نمی‌کنه تا جایی که رسانه داخلی بتونه فقط مارو به عنوان افرادی سربار جامعه که فقط براش هزینه داریم معرفی می‌کنه، .

۱-۳- یکنواختی برنامه‌های داخلی

ازمنظر مصاحبه شونده‌گان، یکنواختی و یکدستگی در برنامه‌های داخلی، جذابیت آن را زدوده است. در این عصر، برگ برنده در دست رسانه‌ای است که از یکنواختی برنامه‌های خود اجتناب کند. "احمد"، دانشجوی کارشناسی، در این باره معتقد است: "برنامه‌هایی که از طریق تلویزیون پخش می‌شود تکراری هستند و چیز تازه و جالبی نمی‌توان از برنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی پیدا کرده، . بنابراین یکنواختی برنامه‌های داخلی مزید بر علت شده که از ماهواره استقبال شود. "صابر"، ۲۳ ساله که به مسافر کشتی مشغول است در این باره چنین اظهار نظر نموده است: "خوب مردم عادت گرفتند به این همه کانال و تنوع [چرا] به شبکه‌های ایران بسنده کنند که هیچ جذابتی ندارند؟. در این زمینه "محمد"، ۲۹ ساله که کارمند است چنین اظهار نظر کرده است: "به نظرم کسانی که دست‌اندرکار شبکه‌های ماهواره هستند فهمیدند که جوانان ما نیازمندیشون چیه، و برای هر قشر خاصی باتوجه به نیاز و خواسته‌شون برنامه‌ریزی کردند، ضعفی که در رسانه‌های داخلی هست که به زور می‌خواهند بعضی برنامه‌ها رو به خورد مردم بدهند که سازگاری زیادی با سلاطین و نیازمندی یک جوان نداره، واقعیت اینه که من در رسانه‌های داخلی نمی‌تونم خودم رو ببینم که در کجای این مملکت قرار دارم و چی داره برسر من میاد. همین دلایل میتونه کافی باشه که من به طرف ماهواره کشیده بشم، ."

۲- استراتژی‌ها و تعاملات جوانان در برابر ماهواره

از دیگر موضوعات مورد توجه در این نوشتار، فرایند تعاملات و استراتژی‌های جوانان در مواجهه و برخورد با پدیده نوسازی ارتباطات است. غالب پدیده‌هایی که در شکل و شیوه بالنسبه جدیدتر وارد یک گستره جغرافیایی و فرهنگی خاص می‌شوند، معمولاً به شیوه‌های متفاوتی با آن تعامل می‌شود. در حالت اول، یا آن پدیده جدید از جانب مردم بومی منطقه رد و طرد می‌شود و نهایتاً مورد قبول واقع نمی‌گردد. در حالت دوم، یا آن پدیده جدید با ارزش‌ها و اکولوژی و شرایط همه جانبه منطقه انطباق دارد و از جانب مردم بومی هم پذیرفته و مورد استقبال آنان قرار می‌گیرد. در حالت سوم، پذیرش آن پدیده (ماهواره) الزاماً به معنای قبول مطلق برنامه‌ها و کانال‌های آن نمی‌باشد، بلکه اغلب جوانان با توجه به موقعیت جغرافیایی و انگاره‌های ذهنی و هویتی خود دست به چینش و ویرایش کانال‌های منطبق با هویت محلی و زبانی خود زده‌اند که این نشانگر نه پذیرش منفعلانه آن و نه رد مطلق آن می‌باشد. بنابراین، مخاطبان آفرینندگان فعال معنا در رابطه با برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای هستند (و به سادگی و به صورتی غیرانتقادی معانی متنی را نمی‌پذیرند)، آنان این کار را بر مبنای قابلیت‌های فرهنگی پیشین مورد نیاز خود انجام می‌دهند که در بستر زبان و روابط اجتماعی جعل شده است (بارکر، ۱۳۹۱: ۵۸۶).

اغلب مشارکت‌کنندگان در پاسخ به این سؤال که چه کانال‌هایی در صدر جدول دستگاه گیرنده ماهواره آن‌ها وجود دارد؟ گفته‌اند که کانال‌های کُردی را در فهرست اول کانال‌ها قرار داده‌اند. در این باره "اسماعیل"، ۲۷ ساله این چنین ابراز داشت: "خوب در خونه ما شبکه‌ها و کانال‌های کُردی جایگاه ویژه‌ای دارند و اکثر شبکه‌های کُردی رو در اولویت قرار می‌دهیم و در این بین هم کانال‌های که با لهجه سورانی برنامه پخش می‌شود در اولویت قرار می‌دهیم، . با این وصف در لابلای گفته‌های اغلب مخاطبان نوعی جرح و تعدیل در مواجهه با کانال‌های ماهواره مشهود است. "پارسا"، ۲۶ ساله، مدرس دانشگاه پیام نور در این باره معتقد است: "در میان شبکه‌های کُردی به شبکه‌هایی علاقمندم که

بیشتر با فرهنگ ما سنخیت داشته باشد، ... اغلب شبکه‌ها در بعد گرایش‌ها مذهبی زیاد با ما یکی نیستند، ، .

"هادی"، ۲۸ ساله و مهندس، در خصوص میزان سنخیت کانال‌های ماهواره با زمینه‌های فرهنگی جامعه ایران این‌گونه نظر خود را بیان می‌نماید: "به نظرم زیاد سنخیت ندارند چون حتی کانال‌های کُردی هم درصدد ایجاد تغییر و تحولات در فرهنگ و بنیان‌های زندگی روزمره ما هستند، نه تنها شبکه‌های کُردی، بلکه خیلی از غول‌های رسانه‌ای کانال مجانی ندارند که هرکسی بتونه به اونها نگاه کنه، مثلاً شرکت روبرت مرداک که غول رسانه‌ای دنیا است یک سری کانال داره که به طور مجانی راه‌اندازی کرده برای مخاطبینش، برای این که مارو بدون این که متوجه بشیم تحت سلطه و کنترل خودشون درارن که در این بین خیلی از شبکه‌ها رو داره که من به شخصه ازشون راضی نیستم که فکر جوانان مارو به انحراف میکشند ولی کانال خوب هم دارند، ..

بدین صورت متوجه خواهیم شد که انتخاب و گزینش برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای از طرف مشارکت‌کنندگان ماهیت بازاندیشانه و اقتضایی دارد. به عبارتی دیگر، پذیرش برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای با جرح و تعدیل‌هایی ویژه و هدفمند، و در چارچوب سازه‌های هویتی، فرهنگی و محلی صورت گرفته است.

۳- پیامدهای فرهنگی و اجتماعی استفاده از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره

۳-۱- آگاهی بخشی قومی

آگاهی بخشی به نوعی هویت‌یابی مستمر دلالت دارد که نگرش کنشگران را نسبت به واقعیت‌های روزمره صورتبندی می‌کند. دریافت ما از موقعیت‌مان در مکان و زمان- که برای هویت ما جنبه حیاتی دارد- از محیط تجربه‌های رسانه‌ای ما غیر قابل تفکیک است. در مورد آگاهی بخشی این قضیه به طور برجسته قابل لمس است. در سردشت که به واسطه موقعیت جغرافیایی در انزوا قرار داشت، آگاهی در چارچوب هویت‌بخشی

بازسازی معنایی زمینه‌ها، دلالت‌ها و ... ۱۷۳

به میانجی ماهواره به طرز چشمگیری رشد پیدا کرده است. جوانان با استفاده از ماهواره به این امر اذعان کردند. برای نمونه "کمال"، ۲۴ ساله می‌گوید: "ماهواره دنیای تازه‌ای رو به روی جوانان گشود؛ چیزهای جالب، از اخبار گرفته تا برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی که همیشه قشر جوان خواهان این چیزها بودند، ،

بی‌گمان مقوله آگاهی بخشی به نحوی از انحاء با مبحث قومی در ارتباط می‌باشد. فرایند جهانی شدن زمینه‌ای را فراهم نموده تا کنشگران اجتماعی در فضایی قرار گیرند که در طی آن مقولات قومی خود را در دل ارتباطات جهانی پیدا کنند و با ارتباط با جهان بیرونی خود را با سازه‌های مهم قومیتی خویش، آن هم به واسطه مقایسه خود با دیگری، مستحکم سازند. هرچند این فرایند از مجاری دیالکتیک امر محلی با امر جهانی میسر خواهد شد. در این باره "احمد"، ۲۷ ساله معتقد است که: "قبل از این که ماهواره رو بینم من زیاد با گردهای دیگه آشنایی نداشتم تنها وسیله‌ای که میشد باخبر شد شوهای گردی بود که با دستگاه ویدئو سی‌دی نگاه می‌کردیم، ولی الان لحظه به لحظه باخبر هستم و به همه گردها احساس تعلق پیدا کرده‌ام، ،

همچنین "ادریس"، ۲۹ ساله در این باره می‌گوید: "جوانان احساس می‌کنند که با دیدن ماهواره با دنیای خارج ارتباط پیدا می‌کنند، احساس آزادی می‌کنند، احساس این که تمام دنیا رو می‌تونه ببینه و با فرهنگ‌های دیگه آشنا بشه و در این بین یک مقایسه‌ای با اونا داشته باشه که متوجه بشود در کجای دنیا قرار گرفته است، ،

۳-۲- بازیابی سنن قومی

در بسیاری از دیدگاه‌های مربوطه فن‌آوری‌های ارتباطی مدرن، همواره به عنوان عاملی در تسریع شبیه‌بودگی فرهنگی در نظر گرفته شده‌است. از سوی دیگر در دل این مجاری ارتباطی، نوعی بازیابی سنن قومی تقویت می‌شود. در سردشت نیز این قضیه به خوبی صدق می‌کند. در فضای مدرن کنونی، رسانه، مخصوصاً ماهواره، به طرز مؤثری در راستای احیای یک سری سنن قومی عمل کرده است. یکی از جوانان به نام "محمد"، ۲۶

ساله که کافی نت دارد در مورد عملکرد ماهواره چنین می‌افزاید: "شبکه‌های گُردی صددرصد در احیای سنن قومی تأثیر دارند چون تا قبل از این که ماهواره داشته باشیم از آداب و پوشش و جشن‌ها زیاد اطلاع نداشتیم ولی الان که نشون میدن فهمیدیم همون‌هایی هستن که ما داریم، ، .

از منظر برخی از جوانان ماهواره با بازپخش مراسم و مناسک قومی که داشت به دست فراموشی سپرده می‌شد، نقشی سازنده در غنای فرهنگی داشته است. "احمد"، جوان ۲۹ ساله در این باره معتقد است که: "برای نمونه یکی از کانال‌های گُردی به نام «زاگروس تی وی» برنامه‌ای با عنوان «هه‌گبه‌ی بنار»^۱ را پخش می‌کند که در احیای رسوم و آداب و سنن پیشینیان موفق عمل کرده است. بسیاری از کانال‌های گُردی این نوع برنامه‌ها را پخش می‌کنند، ، .

۳-۳- تداوم زبان مادری

از منظر بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، آشنایی با زبان مادری و تداوم آن یکی از پیامدهای ماهواره برای جوانان منطقه بوده است. با وجود تأکید قانون اساسی گویش‌های محلی کم‌تر از مجاری رسمی منعکس می‌شوند و رسانه‌های داخلی به ندرت به زبان گُردی برنامه پخش می‌کنند و بدین سان مخاطبان فاصله زیادی از این رسانه‌ها گرفته‌اند. این مسأله میل به داشتن ماهواره در بین جوانان را افزایش داده است. به عنوان مثال "اسماعیل"، ۲۷ ساله که در مرز به صورت قاچاق به امرار معاش می‌پردازد چنین می‌گوید: "خوب ماهواره باعث غنای زبان مادریم شده که قبل از ماهواره آشنایی چندانی با اونها نداشتیم و از طرف دیگه تونستم حتی به زبان گُردی بنویسم، ، .

۱- هه‌گبه بنار به معنای توشه کوهستان می‌باشد. موضوع این برنامه مستند زندگی کوچندگان به کوهستان می‌باشد که با سبک زندگی سنتی از طریق دامداری امرار معاش می‌کنند و آداب و رسوم دوران گذشته را بازنمایی می‌کنند که به نوعی تداعی گر دوران ماقبل مدرن در اجتماع گُردی بوده و باعث شده نسل جدید جوانان با این سبک زندگی آشنا شده و با آن احساس نزدیکی و تعلق خاطر کنند.

برنامه‌های ماهواره‌ای موجب شده است تا بسیاری از جوانان به کارگیری اصطلاحات زبان مادری را نه تنها عار و ننگ قلمداد نکنند بلکه به آن به مثابه ضرورتی هویت بخش بنگرند. در این راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان به نام "یونس"، ۳۰ ساله که در کار فروش پوشاک است می‌گوید: "من خیلی از اصطلاحات کُردی رو قبلاً آگه از زبان افراد می‌شنیدم فکر می‌کردم که اونا زبان کُردی رو بلد نیستند ولی با دیدن ماهواره در واقع فهمیدم که من خیلی از قافله عقب موندم، ، .

۳-۴- تسریع ارتباطات میان فرهنگی

فرهنگ و روابط بین فرهنگی از حوزه‌های مهم زندگی است که تحت تأثیر مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی، تغییر یافته است. برخوردهای بین فرهنگی امروزه با ملاقات‌های گذشته متفاوت است. این برخوردها به دلیل وجود ارتباطات و تماس‌های موجود در دنیا بیشتر شده و از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند (سامووار، ۱۳۷۹: ۹۸). فناوری با ایجاد توسعه در دو زمینه از تلاش‌های انسان، یعنی سیستم‌های حمل و نقل و نظام‌های ارتباطی موجب تسریع ارتباطات بین فرهنگی شده است (همان، ۲۸). این ارتباطات نه تنها درون فرهنگی بلکه میان فرهنگی نیز می‌باشند و تعاملات را از سطحی محدود به سطحی وسیع گشاده‌اند. سردشت در موقعیت جغرافیایی و فرهنگی منحصر بفردی قرار دارد که کمتر با فرهنگ دیگری در تعامل بوده است. مگر در شرایطی خاص چون جنگ تحمیلی و یک سری مناسبات خاص شاهد تعامل میان فرهنگی بوده‌ایم. ماهواره کمیت و کیفیت ارتباطات میان فرهنگی را به صورت بنیادی دچار تحول کرده است. "ناصر"، جوان ۳۱ ساله چنین می‌گوید: "خوب من از وقتی ماهواره رو می‌بینم که خیلی از جوامع رو نشون میده تا حد زیادی تونستم که با فرهنگ و آداب و رسومشون آشنایی پیدا کنم و در بعضی مواقع حتی با اونا همذات پنداری کنم چون وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی‌شون خیلی به من شبیه هست، ، .

روابط سنتی گذشته، تحت تأثیر ارتباطات که مهمترین بستر جهانی شدن است، تغییر کرده و شکل جدیدی به خود گرفته است. برخوردهای بین فرهنگی امروزه با ملاقات‌های گذشته متفاوت است. این برخوردها به دلیل وجود ارتباطات و تماس‌های موجود در دنیا بیشتر شده و از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند (ساموروا، ۱۳۷۹: ۲۸). رضا، ۳۲، لیسانس و راننده، بر این باور است: "با دیدن ماهواره با دنیای خارج ارتباط پیدا می‌کنم، احساس این که تمام دنیا رو می‌تونم ببینم و با فرهنگ‌های دیگه آشنا بشم و در این بین یک مقایسه‌ای با اونا داشته باشم که متوجه بشم در کجای دنیا قرار گرفته‌ام،".

۳-۵- تعدیل حساسیت میان فرهنگی

گسترش و توسعه ارتباطات به میانجی تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید سبب کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی و تقویت نسبی‌گرایی فرهنگی می‌شود. در این حالت، تفاوت به عنوان تهدید قلمداد نمی‌شود و ضمن پذیرش و سازگاری با تفاوت‌ها، فرد هویتی را کسب می‌کند که به او امکان می‌دهد خودش را علاوه بر ملیت و زمینه قومیت به عنوان طرفداران بین فرهنگی یا چندفرهنگی در نظر بگیرد (بنت، ۱۹۹۸: ۳۰). در لابلای ارتباطات میان فرهنگی از رهگذر ماهواره رگه‌ها و نشانه‌هایی از تعدیل حساسیت میان فرهنگی در بین جوانان مشهود است و قضاوت آن‌ها نسبت به سایرین تا حدی تعدیل یافته است. جوانان بر این امر واقفند که صاحب فرهنگی هستند که جزئی است از سایر فرهنگ‌ها در جهان معاصر. فرهنگ آن‌ها با سایر فرهنگ‌ها همزیستی مسالمت آمیزی دارد و بدین شیوه نگاهی میانه روانه به جهان پیرامون دارند. یکی از جوانان به نام "بیستون"، ۲۴ ساله با تحصیلات کارشناسی در این مورد چنین می‌گوید: "وجود ماهواره باعث شده که من با یک عینک دیگه به دنیای اطرافم نگاه کنم و این احساس که فرهنگ من گرد بر همه فرهنگ‌های دیگر ارجحیت داره عوض بشه و اون پیشنهادی‌هایی که در مورد خیلی از اقوام و ملل دیگه داشتم رو تعدیل کنم، من همیشه احساس خوبی مثلاً به بلوچ‌ها نداشتم ولی الان با این شناختی که از اونا پیدا کردم،

وضعیت معیشتی و اقتصادی اونارو میدونم و می‌فهمم که در چه شرایط سختی قرار دارند و مثل ما در نقطه‌ای از مرز زندگی می‌کنند که آگه با قاچاق امرار معاش نکنند وضعیت‌شون بدتر هم میشه و چه بسا در این راه جون خودشون رو هم از دست بدهند،

علاوه بر این، تصورات جوانان در مورد فرهنگ‌های مجاور بیشتر قالبی و کلی بوده ولی اینک تلطیف گشته است. "علی"، ۲۶ ساله، چنین اظهار نظر می‌کند که: "ما همیشه قبلاً وقتی نگاه می‌کردیم یک دیدگاه متفاوت به اقوام بود ولی الان نه، مثلاً در مورد... تصور این بود که ملتی تنبل و تن‌پرور هستند ولی الان می‌بینیم که پیشرفته‌ترین دولت‌های منطقه مربوط به آنهاست و از نظر اقتصادی پیشرفت خوبی داشتند، یا در مورد... فکر می‌کردیم که قومیتی بسیار بزرگ و عظیم دارند ولی الان متوجه شدیم که اصلاً این‌طور نیست، ،

زمانی که جوانان در اثر ارتباطات مجازی با سایر فرهنگ‌ها حساسیت خود را تعدیل می‌نمایند، گامی به جلو برداشته و دیگر با نگاه جزمی به مقوله فرهنگ نگاه نمی‌کنند و خط فاصل قطعی بین فرهنگ خود و دیگری نمی‌کشند. مصاحبه‌شوندگان با ورود ماهواره متوجه شده‌اند که داد و ستد تنها به حوزه اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه می‌توان این عمل را در حوزه فرهنگ نیز انجام داد. یکی از جوانان به نام "آرام"، ۲۹ ساله در این راستا چنین می‌گوید: "جوانان احساس می‌کنند که بادیدن ماهواره با دنیای خارج ارتباط پیدا می‌کنند، احساس آزادی می‌کنند، احساس این که تمام دنیا رو می‌تونند ببینند و با فرهنگ‌های دیگه آشنا بشن و در این بین یک مقایسه‌ای با اونا داشته باشن که متوجه بشوند در کجای دنیا قرار گرفته‌اند، ،

۳-۶ - مصرف‌گرایی

در جامعه معاصر که با مصرف‌گره خورده است، نمادهای تمایزبخش افراد در مصرف نهفته است و مصرف معطوف به هویت افراد شده است؛ هویتی که بیشتر در

فرهنگ بصری یا دیداری و نمودهای عینی آن نهفته است (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۸: ۱۲۴). مصاحبه‌شوندگان بر اثر ارتباط مستمر با ماهواره به نوعی فرهنگ مصرف را در ابعاد متعدد آن تجربه کرده‌اند. هر چند نمی‌توان الزاماً ماهواره را عامل اصلی بسط فرهنگ مصرف‌گرایی دانست منتهای مراتب می‌توان آن را یکی از عامل‌های مشوق آن قلمداد نمود. این که مصرف‌گرایی فرصت یا تهدید محسوب می‌شود، را می‌توان از منظر جوانان مورد بررسی قرار داد و بحث در مورد آن را به تفسیر مقوله هسته موکول می‌کنیم. در مورد بسط مصرف‌گرایی بعد از ورود ماهواره، "ادریس"، ۲۹ ساله چنین خاطر نشان می‌کند: "چشم و هم‌چشمی در بین مردم زیاد شده، دکوراسیون منازل مردم هر روز داره بر طبق معیارهای غرب میشه، حتی والدین اسم بچه‌هاشون رو براساس شخصیت‌های فیلم‌هایی که پخش میشه نامگذاری می‌کنند... و حتی زنان امروزه بر اساس «شبکه ام‌ای تی‌وی» میرن ابروهاشون تاتو می‌کنند، رنگ سرشون رو براساس مدل‌های اون شبکه اصلاح می‌کنند، ، .

"امیر"، ۲۲ ساله، در مورد گسترش روحیه مصرف‌گرایی به تفصیل چنین می‌گوید: "هرچند با پیدایش شبکه‌هایی هم‌چون جم کلاسیک، فارسی وان، من و تو، این شبکه‌ها به نحوی دست روی ذائقه سکس پنهان جامعه گذاشته، دست روی خط قرمزی گذاشته که تا حالا سرکوب شده بود، ولی این شبکه‌ها اومدن با کانال‌های لوکس با بازیگرانی خوش تیپ، طوری به ما تلقین و القا می‌کنند که این تصاویر جزئی از نیازهای زندگی روزمره است، مردم هم ناخواسته دارن این تصاویر رو هم‌چون غذایی مصرف می‌کنند و ازش الگوبرداری می‌کنند که به نظرم خود الگوبرداری هم ناخودآگاه هست، هم‌چون تزریقی زیرپوستی که زیاد احساسش نمی‌کنند، زنان ما آنقدر با هنر پیشگان هم‌دات پنداری می‌کنند که ویکتوریا بعد از مدتی میشه نوعی پارچه که بازرگانان ما واردش می‌کنند. ویکتوریا میشه مارک برنجمون، انتخاب اسامی بچه‌هامون، من مدتی پیش به عنوان محقق اداره بیمه به روستاهای دورافتاده مرزی که می‌رفتم با اسم‌هایی برخورد می‌کردم که دقیقاً برگرفته از اسامی هنرپیشگان و ستاره‌های سینما بود که از ماهواره پخش

می‌شدند که کاملاً بامؤلفه‌های سنتی ما در تقابل بودند ولی با آغوش باز پذیرای هم‌چنین برنامه‌هایی بودند و قبول کردند، من حتی با اسم جومونگ در بین این روستانشینان برخورد کردم، و من اینو در انعکاس واورنه واقعیتی می‌بینم که از رسانه‌ی ملی پخش می‌شود که باعث شده مردم بیشتر به سمت و سوی ماهواره کشیده بشوند، .

۳-۷- آشنزادایی از امر دینی: از فاصله‌گیری تا فردی شدن باورها

در جامعه سردشت، بر مسائل دینی و رعایت شعائر و مناسک دینی تأکید زیادی می‌شود، این مناسک و شعائر دینی توسط بیشتر مردم مورد حمایت و رعایت است. باورها و اعتقادات افراد مورد مطالعه تحت تأثیر یک سری عوامل از جمله تکنولوژی‌های ارتباطی جدید دچار دگرگونی و تغییر شده است. این عوامل تأثیرات متفاوتی بر ساختار مذهبی جامعه برجای گذاشته است و در برخی موارد موجب چالش‌ها و نگرانی‌های عمده‌ای نیز شده است.

از منظر برخی از مشارکت‌کنندگان، برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای موجب فاصله‌گیری جوانان از باورها و معارف دینی شده است "محمد"، ۳۱ ساله نظر خود را در مورد تغییر در باور دینی چنین توصیف می‌کند: "به نظر من ماهواره باعث دین‌گریزی جوانان شده، من که یک پسر هستم و در دانشگاه بودم دیدم که زیاد مسائل اعتقادی و مذهبی برایشون دیگه اون احترام و قداست رو نداره و همیشه میان مبانی و اصول اعتقادی رو به زیر سؤال می‌برند، .

در فرایند حساسیت زدایی از دین بعضی از جوانان جنبه منفی ماهواره را در مورد زوال اعتقادی ذکر نموده و به آن اشاره دارند. برای مثال "عبدالخالق"، ۲۵ ساله در این مورد چنین می‌گوید: "به نظر، اکثر جوانان اعتقادات دینی شون ضعیف شده، اینم به خاطر اینه که ماهواره یکسری برنامه‌هایی رو پخش می‌کنه که بدون هیچ سانسور و محدودیتی واقعیت را بیان می‌کنه که ممکنه با مبانی دینی ما تعارض داشته باشن، .

مبحث حساسیت‌زدایی از دین یکی از جنبه‌های مهم استفاده از تکنولوژی ماهواره می‌باشد اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود. در واقع رسانه با بازنمایی واقعیت‌های متمایز و ارسال انبوهی از تصاویر مخاطبان را در موقعیت پیچیده‌ای قرار داده است. این نوع موقعیت باعث شده که جوانان در شرایطی دوگانگی عقاید و ارزش‌ها قرار گیرند. از منظر برخی از جوانان مورد بررسی، بازنمایی فرهنگ‌ها و باورداشت‌های گوناگون در فضای مجازی، آگاهی و معرفت دینی را افزایش و واکاوی دینی را تسهیل نموده است. "رئوف"، ۲۸ ساله در این باره چنین می‌گوید: "خوب ماهواره خیلی از مسائلی که در پشت پرده مانده بود و جوانان فقط در حد یک خبر از شنیده بودند رو تونست روشن کنه، من به شخصه الان اگه سؤالی در حوزه مسائل اعتقادی خودم داشته باشم و روم نشه که از بزرگترهام بپرسم میرم و به شبکه‌هایی نگاه می‌کنم که درباره مسائل مذهبی واضح همه چی رو میگن و من رو از بی‌خبری خلاص می‌کنن." "بیستون"، ۲۴ ساله که در یکی از دانشگاه‌های تهران مشغول به تحصیل است، در این مورد چنین می‌افزاید: "خوب من از طریق ماهواره با مذاهب و باورهای گوناگونی آشنا شدم ولی هیچوقت سعی نکردم که باورها و عقاید خودم رو زیر پا بزارم حتی باعث شد که برخی مسائل اعتقادی برام روشن تر بشه و باورم محکم‌تر بشه." بر مبنای تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، دسترسی به تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید موجب شده است تا ضمن فاصله گرفتن از رویکردی افسون شده و انفعالی، با فردی نمودن باورها و اعتقادات از امر دینی آشنایایی و حساسیت‌زدایی نموده و با نگرشی عقلانی با معرفت دینی مواجهه نمایند.

۳-۸- استحاله سبک زندگی محلی

عناصر و اجزای سبک زندگی متعارف بدون هر نوع چالشی در فضای روزمره به روال خود ادامه می‌دهد تا آن زمان که با مقولاتی جدید دچار چالش و مسئله‌بودگی نشود. زمانی که از سبک زندگی متعارف حرفی به میان می‌آید، اصول این سبک بدون هر

نوع سئوالی در عرصه عمومی و خصوصی به اجرا در می‌آید. اما با ورود سبک‌های جدید زندگی در نحوه اجرای آن تغییراتی به وجود آمده است. جهانی شدن به واسطه ماهواره این امر را تسریع کرده است. در این مورد "هادی"، ۲۸ ساله چنین می‌گوید: "باتوجه به هر منطقه‌ای آگه نگاه کنیم مثلاً مهابادی و بانه‌ایی یا سردشتی یک سری ویژگی‌های خاص خودشون رو دارند، من دیروز اومدم این کمربندی جوانانی که لباس گُردی پوشیده بودند به تعداد انگشت‌های دستم نمی‌رسید همشون یک سری تیپ‌های عجیب، آگه یک غریبه‌ای وارد شهرمون بشه و بهش نگویند که اینجا سردشته و مردمش گُرد هستند باور کنید متوجه نمیشه چون هیچ کدوم از مؤلفه‌های گُردی رو نمیشه در این جوانان سراغ گرفت و پیدا کرد، در حالی که باور کنید چند سال پیش جریان برعکس بود اکثر جوانان ما لباس‌های گُردی رو می‌پوشیدند و بهش افتخار می‌کردند ولی الان نه. بعضی‌ها فکر می‌کنند که کسانی که لباس گُردی می‌پوشند نوعی عقب مانده هستند و باید به روز باشند و این به روز بودن رو به فدا کردن هویت خودشون هم می‌خواهند به دست بیاورند. یا این که الان خیلی از مغازه‌های شیک تو سردشت هست که فقط مواد تناسب اندام برای زنان خانه‌دار می‌فروشند واقعاً هم طرفدار دارند چون هر شب ماهواره داره می‌گه آگه‌اندامتون مناسب باشه و به خودتون برسید زندگی بهتری در زناشویی خواهید داشت. من فامیلی دارم که خونه ۳ طبقه درست کرده که فقط یک طبقه‌شو به سالن ورزشی و سونا و استخر اختصاص داده بخاطر این که این سبک زندگی داره هر شب از فیلم‌هایی که ماهواره پخش می‌کنه وجود داره و خیلی چیزهای دیگه، ، .

در زمانی نه چندان دور سبک زندگی در سردشت تقریباً یکدست و همگون بود و کمتر شاهد تمایز در زندگی روزمره بودیم. ویلیامز مشخصه جوامعی از این دست را، انسجام فرهنگی می‌نامد. یعنی آنچه ما اکنون به‌عنوان فرهنگ می‌شناسیم در آن‌زمان کمابیش وجهی از وجوه جدایی‌ناپذیر سایر اعمال اجتماعی بود. فرایند تمایزگذاری فرهنگی با پیدایش انواع فن‌آوری فرهنگی یا وسایل ارتباطی پیوند دارد (باکاک و تامپسون، ۱۳۹۳: ۲۹۸). یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان تغییرات و تمایزات پدیدآمده در

میدان مورد مطالعه را این گونه توصیف می‌نماید: "احساس می‌کنم ماهواره تمام زوایای جوان رو تغییر داده و چیزی که بیشتر به چشم می‌آید پوشش هستش، حتی نوع موسیقی و دیالوگی که بین اونا رواج پیدا کرده، بحث هویتی در بین جوانانی که امروز در همین کمربندی که می‌بینی اصلاً مطرح نیست شاید بحث فوتبالی که از تلویزیون پخش میشه بیشتر موضوعیت داره تا یک بحث قومیتی هم چون گُردی. شاید مؤلفه‌ای هم چون پوششی که جوان انتخاب می‌کنه سعی می‌کند براساس دانشگاهی که هستش تیشو انتخاب کنه مثلاً اگه سندج هستش بیاد تیبی بزنه که در خیابان ۶ بهمن یا اگه در ارومیه هست بیاد تیپ خیام شمالی و یا تبریز تیپ مثلاً ولیعصر یا آبرسان بزنه و گفتمان مسلط همون شهر محل تحصیلشو بپذیره و جوان با دیدن ماهواره میاد به سراغ شبکه‌هایی میره که متناسب با تیپ شخصیتی خودش باشنند، ، (امیر، ۳۲ ساله).

✓ هسته مرکزی: تلویزیون ماهواره‌ای به مثابه ساختاربخش - ساختارشکن

مقوله هسته این پژوهش با عنوان تلویزیون ماهواره‌ای به مثابه ساختاربخش - ساختارشکن براساس ۱۰ زیر مقوله شکل گرفته است. این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر رویدن آن از دل داده‌های زمینه را از طریق رجوع به مقولات محوری پی گرفت. این مقوله دو وجهی ناظر به مسیری است که یک جوان برای پذیرش و مواجهه با تلویزیون ماهواره‌ای تجربه می‌کند. با توجه به مفاهیم و مقوله‌های استنباط شده از یافته‌های تحقیق می‌توان اظهار داشت که تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای افراد مورد مطالعه در این پژوهش در حکم پروژه و رسانه‌ای است که با اتخاذ راهبردهای انطباقی و تعدیل کننده در جریان است تا بتواند بخشی از موانع و مشکلات موجود بر سر ارائه و عرضه جایگاه اجتماعی خود را بردارد. نگاه به تلویزیون ماهواره‌ای به مثابه ساختاربخش - ساختارشکن، حاکی از آن است که این پدیده برای جوانان پیامدهای عدیده و بعضاً متناقضی بدنبال داشته

است که می‌توان پیامدهای یاد شده را در چند مقوله دسته‌بندی نمود که عبارتند از: آگاهی بخشی، بازیابی سنن قومی، تداوم زبان مادری، تسهیل ارتباطات بین فرهنگی، تعدیل حساسیت بین فرهنگی و نسیت‌گرایی فرهنگی. این پیامدها از منظر جوانان میدان مورد مطالعه، مثبت، تسهیل‌کننده، ساختار بخش و توانمندکننده تلقی می‌شود. در کنار این پیامدهای مثبت، یک سری پیامدهای ناخواسته وجود دارد که از نقطه نظر جوانان مورد استقبال نبوده و تولید نگرانی و ناخرسندی کرده است که در این میان می‌توان به مصرف‌گرایی، حساسیت زدایی از دین، دوگانگی عقاید - کنش‌های جوانان استحاله سبک زندگی محلی اشاره نمود. به بیان دیگر، این موارد بر وجه ساختارشکنانه تلویزیون‌های ماهواره‌ای دلالت دارند. این نوع پیامدها بر ساختار رایج اندیشه‌ها و سبک متعارف زندگی در سردشت فشار وارد ساخته است. در این حالت بسیاری از جوانان نگران مبانی و اصول اعتقادی و ارزشی رایج در جامعه هستند که مسیر اضمحلال را می‌پیماید. پخش مداوم انبوهی از تصاویر، پیام‌ها و برنامه‌های متعدد در خصوص مسائل، دغدغه‌ها و اندیشه‌های متمایز عملاً جوانان را در شرایط دشوار قرار داده است که به سختی می‌توانند مسیر خود را پیدا کنند. از منظر برخی از جوانان مورد بررسی، این عامل فشارآور گاهی اوقات جوانان را به مخاطبانی منفعل بدل کرده است که صرفاً در فضایی کاملاً تقلیدی عمل می‌کنند. این جنبه انفعال‌گرایی یکی از ابعاد مهم پیامد ورود ماهواره به سردشت می‌باشد که تابعی از نوسازی در این منطقه است. به باور تایلور و اسپنسر، در فضای مجازی، در پی تسهیل بسترهای تعامل اجتماعی، توافق اجتماعی عمیق تر و یکپارچگی اجتماعی فراخ‌تری ایجاد می‌شود، اما باز در همان حال، از زاویه‌ای دیگر به دلیل کارکردهای خصوصی و منحصر به فردش، تمایز و انزوای اجتماعی گسترش می‌یابد. در سطح فراملی و فراملی نیز فضای مجازی، تقویت‌کننده هویت‌های ملی و محلی و تضعیف‌کننده آن‌ها و مروج هویت‌های جهانی و فرامحلی است، این دوگانگی‌های متناقض، از خصوصیات ذاتی و اصلی جهان مجازی است (تایلور و اسپنسر، ۲۰۰۴: ۲۰۴).

نتیجه‌گیری

با عنایت به مقوله‌هایی که در مدل شماره ۱ ارائه شده است، استقبال جوانان مورد بررسی از برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای و پذیرش آن تحت تأثیر یک سری شرایط خاص صورت گرفته است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: غیبت سنن و فرهنگ قومی در شبکه‌های داخلی، ویکنواختی شبکه‌های داخلی (به مثابه شرایط علی)، مشکلات اکولوژیکی، محدودیت مجراهای ارتباطی (به مثابه شرایط زمینه‌ای)، و قابلیت‌های تلویزیون ماهواره‌ای (به عنوان شرایط مداخله‌گر). شرایط یاد شده به طور کلی و در امتداد با یکدیگر موجب شده‌اند پدیده‌ای به نام ماهواره مورد توجه و استقبال جوانان مورد مطالعه واقع شود و به بخش جدایی ناپذیر زندگی روزمره آن‌ها بدل شود. مطالعات نظری (۱۳۸۹) نیز گویای آن است که تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای عرصه جدیدی برای تسهیل و اغناء تعاملات و اطلاعات و یا جبران محدودیت‌ها و کمبودهای موجود در زندگی اجتماعی مخاطبان بوده است. در واقع تعامل فرهنگی و هویتی جوانان مورد بررسی تا حد زیادی تحت تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بوده تا شبکه‌های تلویزیون داخلی. این تجارب، دنیایی مملو از ارزش‌ها و باورهای فردی و جمعی جدیدی را عیان ساخته است که گزینه‌های متعددی را برای معنا بخشیدن به زندگی روزمره پیش روی مشارکت‌کنندگان قرار داده است. در این شرایط، مشارکت‌کنندگان در بین تجارب جدید اشاعه یافته به میانجی ماهواره، که موانع اکولوژیک را در نوردیده است و سر سفره آنان حاضر شده و سنت‌های متعارف و رایجی که همواره حاضر و آماده بوده‌اند، به ناچار بایستی دست به تفسیر و گزینش بزنند. تا زمانی که ایده‌ای جدید وارد جامعه‌ای نشود هیچ نوع تعارض و تضادی به وجود نخواهد آمد با ورود ایده‌های جدید فضایی چالش برانگیز به منصفه ظهور خواهد رسید. جوانان در بین گفتمان‌ها و افکار متعدد بایستی دست به انتخاب بزنند که در این بین واکنش نسبت به این وضعیت در بین جوانان متفاوت خواهد بود. در واقع برای آن‌دسته از جوانانی که در این مطالعه با آن‌ها مصاحبه

به‌عمل آمد، برخی با آغوشی باز از برنامه‌های تلویزیون ماهواره استقبال کردند؛ چون معتقد بودند که ظرفیت‌های مناسبی در آن وجود دارد و عاملی در پیشرفت و توسعه جامعه خواهد بود. برخی دیگر به پیامدهای کلی آن چندان خوش بین نیستند؛ چون بر این باورند که موجب پیدایش مسائل خاصی در حوزه خصوصی و عمومی در بین شهروندان سردشتی شده و روابط و مناسبات شخصی و جمعی را تحت تأثیر قرار داده است. در کلیت گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان چنین استنباط نمود که جوانان پیامدهای ورود ماهواره به سردشت را کاملاً جدی گرفته و بر تأثیر آن بر زندگی شهروندان مهر تأییدی زده‌اند. بنابراین چه گفته شد، انتخاب برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای در نزد جوانان مورد بررسی منفعلانه و واکنشی نبوده و ماهیت بازاندیشانه بخود گرفته است. از منظر تامپسون، مخاطبان هنگامی که محصولات رسانه‌های ارتباطی را دریافت می‌کنند نه افرادی منفعل بلکه کنشگرانی فعال و بازاندیش هستند؛ یعنی استفاده‌هایی که مخاطبان از محصولات رسانه‌ای به عمل می‌آورند می‌تواند به صورتی چشمگیر نسبت به مقاصدی که سازندگان این محصولات در ذهن داشتند متفاوت باشد، حتی باوجود آنکه شاید افراد کنترل کمی نسبت به مواد نمادینی که در دسترس‌شان قرار گرفته داشته باشند، هنوز می‌توانند از این مواد استفاده، بازنگری و بهسازی کنند و به شیوه‌هایی که در اصل با اهداف و نیت سازندگان بیگانه است، به تفسیرشان پردازند (تامپسون، ۱۳۸۹: ۵۱).

اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود. زمانی که ماهواره گسترش یافت پیامدها و تبعات فراوانی را به همراه آورد که مشارکت‌کنندگان در لابلای اظهارات خود به توصیف ابعاد وسیع این پیامدها پرداختند. همچنان که در شکل شماره ۱ آمده است این پیامدها از باورهای فردی گرفته تا اعتقادات جمعی، از گسترش مصرف‌گرایی تا سبک زندگی بومی و از هویت قومی تا نسبییت فرهنگی را شامل می‌شود. مخاطبان شبکه‌های ماهواره‌ای تفاسیر متعدد و بعضاً متفاوتی از زیست جهان خود ارائه دادند.

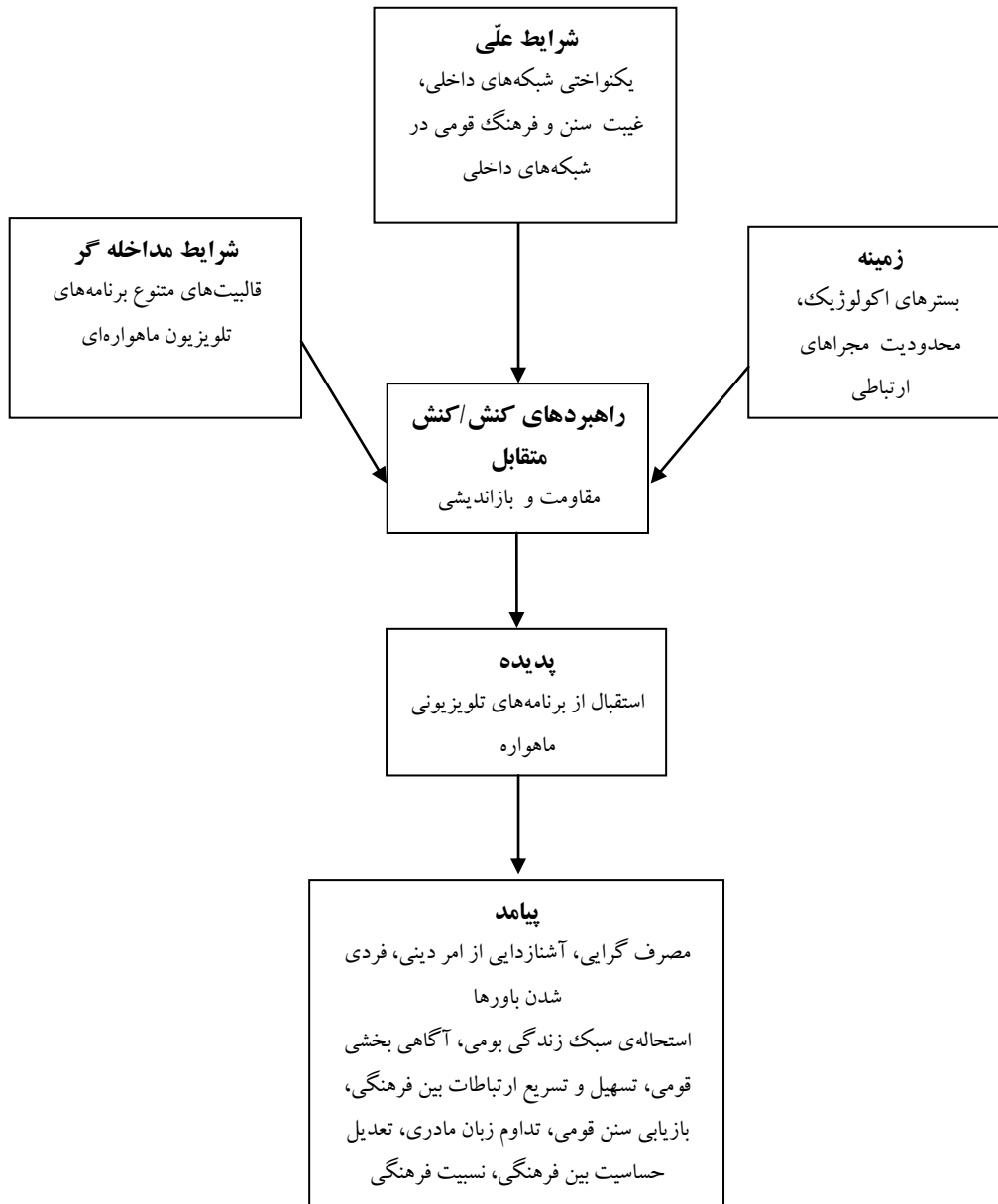
تمام مقولاتی که در اثر پیامدهای ورود ماهواره در سردشت به وجود آمده را می‌توان در ذیل یک مقوله هسته دو وجهی «ساختاربخش - ساختارشکن» تلخیص نمود. از منظر مشارکت‌کنندگان، ماهواره آگاهی بخشی، بازیابی سنن و آداب قومی، و تداوم زبان مادری را در پی داشته است. مطالعات رامانو (۲۰۰۲) و کوانیون (۲۰۰۲) نیز مؤید آن است که امروزه بسیاری ازگردها از شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای برای حفظ و تداوم هویت قومی و بومی خود بهره می‌گیرند. رسولی و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان داده‌اند که شبکه‌های ماهواره‌ای از طریق سازوکارهای بازنمایی مبتنی بر محور «تمایزات فرهنگی» در شکل دادن و بازتعریف هویت فرهنگی قومی نقش اساسی دارند و این سازوکارها مواجهه مخاطب با این رسانه را تسهیل می‌کند.

این برنامه‌ها همچنین با آشناساختن جوانان با فرهنگ‌های متعدد، نسبت‌گرایی فرهنگی را تقویت نموده‌اند. نتایج مطالعات اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰) نیز مؤید آن است که سنت‌های فرهنگی دارای دو وضعیت تغییرات گسترده و پایداری هستند و نوسازی در عرصه ارتباطات موجب تغییر از هنجارها و ارزش‌های مطلق، به سمت ارزش‌های عقلانی مداراجویانه و مشارکت‌جویانه می‌شود. بر مبنای نتایج پژوهش پیمایشی مهدی زاده و عبداللهی (۱۳۸۶) با افزایش استفاده از اینترنت و ماهواره گرایش به استفاده از عناصر فرهنگی جوامع دیگر بیشتر شده است. از منظر مشارکت‌کنندگان، موارد یاد شده بر قابلیت توانمندساز و ساختاربخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره به مثابه یکی از ابعاد نوسازی ارتباطات دلالت دارد. مطالعه کیفی ون جینگ (۲۰۰۵) نیز نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از فضای مجازی ارزش‌های فرهنگی متفاوت پذیرفته شده و هویت فرهنگی چندپاره و ترکیبی پدید آمده است.

هر چند جوانان مورد مصاحبه ماهواره را عاملی توانمندساز در ابعاد فرهنگی و هویتی قلمداد نمودند، اما برخی از آنها بر این باورند که این تکنولوژی محدودیت‌هایی نیز برای آنها در پی داشته است؛ به عبارتی پیامدهای ماهواره دولبه می‌باشد؛ بدین معنا هم می‌تواند سازنده و ساختاربخش باشد و هم فشارآور و ساختارشکن. اغلب مصاحبه

شوندگان در اظهار نظرهای خود بر این امر تأکید کردند که شبکه‌های ماهواره تبعات زیانباری داشته‌اند. مطالعات پیمایشی گلچین و همکاران (۱۳۹۱) نیز مؤید ابعاد و پیامدهای مسأله زای استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای است.

بنابر آنچه گفته شد، جوانان با دیدی یکسان و همگون به پیامدهای ماهواره نمی‌نگرند، بلکه هر یک با توجه به تفسیر و برداشت خود آن را مورد خوانش قرار می‌دهند. بر مبنای این تفسیر دسته‌ای از جوانان در خوانش پیامدهای ماهواره براین باورند که این تکنولوژی می‌تواند عاملی توانمندساز در بهبود شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی شهروندان باشد، اما دسته‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که ماهواره با ارسال انبوهی از تصاویر حاوی افکار و ایده‌های متفاوت که بعضاً هیچ‌سختی با فرهنگ و هویت جمعی آنها ندارد، و به نوعی بر فضایی فکری و معرفتی فرهنگ بومی فشار وارد می‌سازد.



شکل ۱- مدل مبنایی درک جوانان از زمینه‌ها، دلالت‌ها و پیامدهای ماهواره به مثابه ساختار بخش و ساختار شکن

منابع

- اولوسن، دیوید. (۱۳۷۷)، *رسانه و نمادها: اشکال بیان، ارتباطات و آموزش*، ترجمه: محبت مهاجر، تهران: سروش.
- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۸۷)، *اصول روش تحقیق کیفی. (نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها)*، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بارکر، کریس. (۱۳۹۱)، *مطالعات فرهنگی. (نظریه و عملکرد)*، ترجمه: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باکاک، رابرت؛ تامپسون، کنت. (۱۳۹۳)، *درآمدی بر فهم جامعه مدرن*، ترجمه: کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: نشر آگه.
- برگر، لوهمان؛ برگر، پیتر؛ بریجت و کلنر، هانسفرید. (۱۳۸۱)، *ذهن بی‌خانمان «نوسازی و آگاهی»*، ترجمه: محمد ساروجی، تهران: نشر نی.
- بنت، اندی. (۱۳۸۶)، *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: انتشارات اختران.
- تامپسون، جان. (۱۳۸۹)، *رسانه‌ها و مدرنیته*، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران: سروش.
- سامووار، ل. ریچارد؛ ای پورتر و استفانی، ل. (۱۳۷۹)، *ارتباط بین فرهنگ‌ها*، ترجمه: غلامرضا کیانی و سید اکبر میر حسینی، تهران: نشر باز.
- ذکایی، محمدسعید؛ خطیبی، فاخره. (۱۳۸۴)، «رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۳۳.
- ذکایی، محمد سعید؛ فرزانه، حمیده. (۱۳۸۸)، «زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب جراحی‌های زیبایی در زنان تهرانی»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۱۱.
- ذکایی، سعید. (۱۳۸۳)، «جوانان و فراغت مجازی»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۶.

- رسولی، رضا؛ معروفی، فخرالدین؛ خوانچه سپهر، شیرزاد. (۱۳۹۲)، «بازنمایی هویت فرهنگی قومی در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ش ۷۴.
- رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۷)، *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه: کمال پولادی، تهران: ثالث.
- عبدالله پور، جمال. (۱۳۸۷)، *بررسی جامعه‌شناختی وضعیت شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- علیخواه، فردین. (۱۳۸۷)، «مخاطب شناسی ماهواره‌های فارسی زبان؛ مدارهای ارتباطی بر کدام پاشنه می چرخند»، *روزنامه اعتماد ملی*، ش ۶۱۴. (۱۳۸۷/۱/۲۰).
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۴)، *گفتگوهای با امانوئل کاستلز*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه: احد علیقلیان، تهران: طرح نو.
- گرگی، علی. (۱۳۸۵)، «اینترنت و هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۲۵.
- گلچین، مسعود سخایی، ایوب؛ افشانی، علیرضا. (۱۳۹۱)، «مطالعه میزان و نوع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و مناسبات خانوادگی در بین شهروندان تهرانی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۶.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه: محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لاپتن، دبورا. (۱۳۸۰)، «بیم و مدرنیزاسیون تأملی»، ترجمه: مریم رفعت‌جاه، *ارغنون*، ش ۱۸.

بازسازی معنایی زمینه‌ها، دلالت‌ها و ... ۱۹۱

- محمدپور، احمد؛ نقدی، اسداله؛ نادرنژاد، بهزاد. (۱۳۸۹)، «تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران؛ بررسی موردی دانشجویان دانشگاه‌های سنندج»، دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۴.

- محمدپور، احمد. (۱۳۸۶)، بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی و تغییرات اجتماعی در اورامان کردستان، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

- متظر قائم، مهدی. (۱۳۸۴)، «سیاست دریافت برنامه‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای در کشورهای آسیایی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۶.

- مقدس، علی‌اصغر؛ غفاری‌نسب، اسفندیار. (۱۳۸۳)، «مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طائفه دهدار»، نامه انسان‌شناسی، ش ۵.

- مهدی‌زاده، شراره؛ عبداللهی، الهه. (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه میان نحوه استفاده از اینترنت و ماهواره با برگذاری روز دوستی. (ولنتاین) در میان جوانان تهرانی»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱۲.

- نظری، مینا. (۱۳۸۹)، نقش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در معرفی سبک زندگی به جامعه قومی. (مطالعه موردی شهر تبریز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

- ویمر، راجر؛ دومینیک، جوزف. (۱۳۸۴)، تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه: کاووس سید امامی، تهران: سروش.

- Bennett, Milton. (1998). **Basic Concepts of Intercultural Communication: Selected Readings**. Intercultural Press.
- Chatterjee, Anshu. (2004). **Globalization, Identity, and Television Network: Community Mediation and Global Responses in Multicultural India**, Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Creswell, John W. (1998). **Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Traditions**. Sage Publications, Inc.

- Hall, S. (1996). **Who Needs Identity**?" In S. Hall & P. du Gay, **Questions of cultural identity**. London: Sage.
- Inglehart, Ronald and Wayne E. Baker (2000). **Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values**, American Sociological Review, Vol. 65, No. 1, (February)PP. 19 .
- Allameh Tabatabai University: Kia,A. (2007). **Professional Users Cyberspace and Identity**. Tehran.
- Koivunen, Kristiina. (2002). " **Premodern People Using Postmodern Technology**". The 5th Conference of the European Sociological Association. 288- 192 .
- Kumar, Krishan. (1978). **Prophecy and Progress** (Harmonds Worth): penguin.
- Taylor, G and Spencer, S. (2004). **Social Identities**. London: Routledge.
- Wenjing. X. 2005. Virtual space,real identity: **Exploring cultural identity of Chinese Diaspora in virtual community**. Telematics and Informatics 22 (4): 395-404.